

خبر

اسرائیل، لبنان و سوریه را تهدید کرد

● وزرای جنگ و دفاع اسرائیل درباره پیام تحویل‌داده‌شده تل‌آویو به حزب‌الله لبنان ازسوی سازمان ملل توضیحاتی ارائه کردند. به گزارش ایسنا، وزیر خارجه اسرائیل در سخنانی با اشاره به پیام ارسال‌شده ازسوی این رژیم برای حزب‌الله لبنان، اظهار کرد: نمی‌خواهم وارد جزئیات شوم، ما آنچه را که باید ارسال می‌کردیم، ارسال کردیم. آشکاری گفت که وزیر امنیت ملی معتقد است لبنان و سوریه مسئولیت هرگونه اقدامی از خاک این کشورها هستند. درهمین حال، بنی گانتس، وزیر دفاع اسرائیل نیز درباره این پیام هشدار داد: لبنان و سوریه مسئول مستقیم انجام هرگونه عملیاتی از خاک خود هستند. منابع اسرائیلی شنبه اعلام کردند، سازمان ملل پیامی اسرائیلی را درباره شهادت علی کامل محسن به حزب‌الله لبنان رسانده است. این منابع تاکید کردند اسرائیل بعد از اینکه مطلع شده حزب‌الله تصمیم خود را برای اقدامی انتقام‌جویانه گرفته، تدابیری را در مرزهای شمالی اتخاذ کرده است. منابع به خبرنگار المیادین گفتند فحواي پیام اسرائیل این است که تل‌آویو، علی محسن را نمی‌شناخت و قصد کشتن او را نداشته است.

تظاهرات علیه نتانیاهو

همچنین در چندین شهر اسرائیل تظاهرات اعتراضی علیه نخست‌وزیر برگزار شد. تظاهرات‌کنندگان که طبل و شیپور در دست داشتند، علیه بی‌کاری، فساد و نحوه برخورد کابینه بنیامین نتانیاهو با پاندمی کرونا شعار دادند. آنان تا جلوی وبلاي شخصی نتانیاهو در شهر ساحلی قیصریه و پارکی در تل‌آویو پیش رفتند. تظاهرکنندگان خشمکن بار دیگر از نخست‌وزیر خواستند که استعفا دهد. روی پلاکاردهای آنها شعارهای صریحی دیده می‌شد، از قبیل: «تو فاسد هستی و ما از کارهای تو خسته شده‌ایم» و «پس اخلاق کج رفت؟».

موضع‌گیری دوباره پمپئو علیه چین

● مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا بار دیگر تاکید کرد واشنگتن تسلط چین بر دریای جنوبی چین و ادعای مالکیت بر خشکی‌ها و خرده‌جزیره‌های مورد مناقشه در آن را نمی‌پذیرد. او در حساب کاربری خود در توئیتر نوشت: «سیاست ایالات‌متحده به‌روشنی آفتاب است: دریای جنوبی چین، یه‌نه امپراتوری آبی چین نیست». پمپئو افزوده است «اگر پکن قانون بین‌المللی را زیر پا بگذارد و کشورهای آزاد هیچ اقدامی انجام ندهند، تاریخ گناه داده که حزب کمونیست چین، مناطق بیشتری را به کنترل درمی‌آورد». به گفته وزیر خارجه آمریکا تمامی موارد اختلاف، مناقشات و ادعاهای مالکیتی در مورد بخش‌های این منطقه گسترده آبی، «باید از طریق قانون بین‌المللی حل‌وفصل شود».

با آوج‌گیری تنش‌های سیاسی بین آمریکا و چین، واشنگتن از جمله به اعتراضات و انتقاده‌ها به سیاست‌های پکن در مناطق آبی جنوب‌شرق آسیا افزوده است. دریای جنوبی چین که برآورد می‌شد سالانه حدود پنج‌هزار میلیارد از تجارت جهانی از آب‌های آن عبور می‌کند، درین‌حال منبع غنی ماهیگیری، ثروت عظیمی از نفت و گاز و سایر منابع طبیعی است.

اما علاوه بر چین، بسیاری از کشورهای جنوب شرق آسیا در مورد مناطق مختلف آن ادعای مالکیت دارند؛ تایوان، فیلیپین، اندونزی، ویتنام، برونئی و مالزی، کشورهایی هستند که هر یک بر مناطقی ادعای مالکیت دارند. دولت آمریکا رسماً ادعاهای مالکیت پکن بر بخش گسترده و قابل‌توجهی از مناطق آبی و خشکی‌های واقع در این دریا را رد کرده و به این شکل از موضع‌کشورهای منطقه جنوب شرقی آسیا حمایت کرد که با چین بر سر مالکیت این مناطق اختلاف دارند.

دو ماهی می‌شود که اعتراض‌ها علیه نژادپرستی در پورتلند بدون وقفه ادامه دارد؛ شهری که چهار دهه قبل و در جریان اعتراض‌هایی که علیه سفر جورج بوش در آن صورت گرفت، برای تسخیر به آن لقب «بیروت کوچک» داده شد.

چهار دهه بعد و در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، پورتلند با وجود برقراری آرامش در دیگر شهرها همچنان صحنه اعتراض‌ها علیه نژادپرستی است و شهرت دیرین خود را حفظ کرده است. وضعیت ناآرامی‌ها و هرج‌ومرج در این شهر به جایی رسید که رئیس‌جمهور آمریکا دستور اعزام نیروی شبه‌نظامی فدرال را به پورتلند صادر کرد.

اما پورتلند در کنار این تصویر رادیکال و افراطی که از خود به نمایش گذاشته، شهرت دیگری هم دارد. این شهر بزرگ‌ترین شهر سفیدپوستان در زمانی بود که قانون اساسی آمریکا اجازه زندگی افریقایی-آمریکایی‌ها را در آن نمی‌داد.

طبق قانون ۱۸۵۰، افراد سیاه‌پوست باید سالی یک‌بار از تمام مناطق حومه این شهر پاک‌سازی می‌شدند تا ترغیب شوند که ایالت اورگان را کاملاً ترک کنند. اعضای کولکوکس‌کلان (نژادپرستان افراطی آمریکا) عمدتاً کنترل شورای شهر پورتلند را بین جنگ‌های جهانی در دست داشتند.

درحال‌حاضر آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار فقط شش درصد از جمعیت ۶۵۰ هزارنفری پورتلند را تشکیل می‌دهند. اما این شش درصد در سه سال گذشته هدف ۳۰ درصد تیراندازی‌های پلیس این شهر بوده‌اند.

در شهری با چنین پیشینه‌ای، معترضان به نژادپرستی هنوز هم بر خواسته‌های برابری طلبانه خود تاکید می‌کنند. بسیاری از معترضان می‌گویند که آنها خواستار عدالت نژادی در شهری هستند که به‌دلیل تاریخچه نژادپرستانه، پلیس سابقه کشتن آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار را در آن دارد.

دراین‌میان دونالد ترامپ هم برای دستیابی به اهداف سیاسی خود در آستانه انتخابات، به‌طور غیرمستقیم از ادامه تنش‌ها در این شهر استقبال می‌کند تا بهانه‌ای برای سرکوب مخالفان داشته باشد. در چنین شرایطی برخی رهبران سیاه‌پوست در پورتلند درباره ادامه اعتراض‌های شبانه و خشونت‌بار ابراز تردید کرده‌اند؛ چراکه معتقدند ادامه این خشونت‌ها نه‌تنها سیاه‌پوستان را به خواسته‌های قانونی آنها

نمی‌رساند، بلکه سلطه سفیدپوستان را بیشتر خواهد کرد.

«اد موندین»، رئیس شعبه پورتلند انجمن ترویج برابری رنگین‌پوستان (NAACP)، یکی از مقام‌های صاحب‌نفوذی است که انگیزه ادامه اعتراض‌ها در این شهر را زیر سؤال می‌برد. موندین هشدار می‌دهد که جنبش برابری‌طلبانه سیاه‌پوستان در پورتلند اکنون با نفوذ سفیدپوستان در این جنبش، از مسیر واقعی خود خارج شده و برای اهداف دیگری از آن سوءاستفاده می‌شود.

«درگیری‌ها با افسران فدرال که ازسوی رئیس‌جمهور اعزام شده‌اند، چیزی بیش از یک نمایش برای پرکنده‌کردن توجه‌ها نیست و چنین اقداماتی برای ایجاد حواس‌پرتی از هدف اصلی صورت می‌گیرد و هیچ سودی برای سیاه‌پوستان‌که خواستار برابری هستند، ندارد».

موندین گروه‌های وابسته به سفیدپوستان جوان را در صف اول مواجهه با افسران فدرال می‌داند. به گفته او، این دامی است که ترامپ و حامیانش پهن کرده‌اند. «خواستنه ما مبارزه علیه بی‌عدالتی نژادی است، اما بسیاری از افرادی که در صف معترضان می‌بینیم، شعارهای ضدسرمایه‌داری می‌دهند. این خواسته ما نبود. فرزندان سفیدپوستان صاحب نفوذ با رقص بر روی مکان‌هایی که معترضان علیه

اعتراض‌ها علیه نژادپرستی در پورتلند همچنان ادامه دارد

نبرد خیابانی، تاکتیک جدید ترامپ برای پیروزی



نژادپرستی جان خود را آنجا از دست داده‌اند، جنبش ما را مسخره می‌کنند».

دراین‌میان اقدام ترامپ برای اعزام نیروهایی از وزارت امنیت داخلی به پورتلند جو این شهر را متشنج‌تر کرد؛ چراکه این افراد بدون پوشش رسمی و شبهه افراد عادی وارد خیابان‌ها و مناطقی می‌شدند که معترضان در آن حضور داشتند و سپس اقدام به ایجاد درگیری و ضرب‌وشتم می‌کردند. این اقدامات اشاره به اتفاقاتی که در پورتلند رخ داده، عملکرد مأموران فدرال در این شهر را زیر سؤال بردند و نبود مشخصات بر روی لباس‌ها و ضرب‌وشتم معترضان را نکرد، بلکه ظاهرا او را به آنچه می‌خواست، رسانده است.

ترامپ تصاویر معترضان را با کلاه ایمنی و ماسک که با عوامل فدرال درگیر شده‌اند، به‌عنوان مدرک جرم منتشر کرد و آنها را آتاریشیست و از اعضای جریان غیرقانونی «آنتی‌فا» دانست و دموکرات‌ها را متهم کرد که با این معترضان هم‌دست هستند.

ترامپ با تکرار وعده خود برای فرستادن تعداد بیشتری از نیروهای فدرال به دیگر شهرهایی که دموکرات‌ها اداره آن را در دست دارند؛ مانند شیکاگو، اظهار قصد ختنی‌کردن آشوب و تخریب و قتل‌های مسلحانه را داشت.

او گفت: «این عملیات که نام یک پسر چهارساله را

که در کانزاس سیتی به ضرب گلوله کشته شد، بر خود دارد. شامل اعزام هزاران نفر از مأموران اف‌بی‌آی، نیروهای مارشال ایالات‌متحده و دیگر نهادهایی می‌شود که برای مقابله با وحشیگری و خشونت آموزش دیده‌اند».

شهرداران شیکاگو، لس‌آنجلس، آتلانتا و ۱۱ شهر دیگر در واکنش به این اقدام ترامپ در نامه‌ای، رئیس‌جمهور را به سوءاستفاده از قدرت متهم کرده و ادعا کردند که «نیروهای اجرای قانون فدرال برای اهداف سیاسی اعزام شده‌اند؛ نه برای برقراری آرامش و نظم». این شهرداران هم مانند برخی دیگر از منتقدان ترامپ عقیده دارند که ترامپ علاقه‌مند است تا این درگیری‌ها و خشونت‌ها تا قبل از انتخابات ادامه داشته باشد و تمایلی برای فرونشاندن آن ندارد. به اعتقاد این افراد ترامپ می‌خواهد با ناآرام نشان‌دادن شهرهای آمریکا و معرفی معترضان به‌عنوان آشوبگر و اوباش، خود را به‌عنوان تنها گزینه برقراری نظم و امنیت معرفی کند.

این شهرداران در بخشی دیگر از نامه خود تاکید کرده‌اند که اعزام این نیروهای شبه‌نظامی که به‌طور یک‌جانبه و بدون موافقت شهرداران انجام می‌شود، کاملاً با سیستم دموکراسی و اساسی‌ترین ارزش‌های ما مغایر است. چنین اقداماتی را حکومت‌های استبدادی انجام می‌دهند و انتظار نداریم چنین چیزهایی را در ایالات متحده شاهد باشیم. آنها با اشاره به اتفاقاتی که در پورتلند رخ داده، عملکرد مأموران فدرال در این شهر را زیر سؤال بردند و نبود مشخصات بر روی لباس‌ها و ضرب‌وشتم معترضان را «شرم‌آور» خواندند.

موندین که یک راهپیمایی را با هدف «تمرکز بر خواسته‌های سیاه‌پوستان» برگزار کرد، هم‌نظر با این شهرداران می‌گوید: ایجاد نبردهای خیابانی در دستور کار ترامپ بود، تا او با ایجاد چنین نمایشی موقعیت خود را در آستانه انتخابات بهبود بخشد. ترامپ برای روشن‌کردن آتش این درگیری‌های خیابانی هم حساب می‌وזה‌ای روی واکنش‌های سیاه‌پوستان باز کرده است تا آنها را در روایت خود از ماجرا، آشوب‌طلب معرفی کند؛ اما باید این روایت را تغییر دهیم، ما نمی‌توانیم اجازه بدهیم گاز اشک‌آور و گلوله‌های پلاستیکی سرنوشت ما را تعیین کنند. باید به جهان اطمینان دهیم که این‌بار نژادپرستی دیگر زنده نخواهد ماند».

اقدامات مبالغه‌آمیز سلف خود، جورج بوش را ویژه قرار می‌گیرد؛ آن‌هم در شرایطی که اکثر اعضای حزب دموکرات، خواهان اتخاذ سیاستی واقع‌گرایانه‌تر برای خاورمیانه هستند؛ چراکه به‌طورکلی چنین رویکردی را به نفع امنیت آمریکا می‌دانند.

البته این مباحث اکنون به‌طور گسترده بین آمریکایی‌ها محل بحث قرار نمی‌گیرد و مشخص نیست این سیاست‌ها تا چه اندازه محدودتر خواهند شد. برای فعالان و حامیان این تفکر، مهم است که خطرات آن به‌طور شفاف مطرح و راه‌حلی برای مدیریت بهتر آنان ارائه شود. آنان دوست دارند بداند دولت اوباما برای اجرای این سیاست‌ها، چه میزان هزینه کرده است.

حامیان چنین تفکراتی از اصول خاصی پیروی می‌کنند و می‌گویند باید بدانیم که اجرای چنین استراتژی‌هایی، در چه شرایطی سودمند است و دولت‌ها باید به سیاست‌هایشان در هر شرایطی وفادار بمانند. باین‌حال، با بررسی سیاست خارجی آمریکا مشخص می‌شودل این استراتژی تا چه اندازه‌ای ناقص اجرایی شده است. از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۷ میلادی، شرایط به نفع آمریکا بود؛ امنیت منطقه تهدیدی برای منافع حیاتی ایالات‌متحده نبود و همچنان واشنگتن قدرت غالب و شرکای آن، قدرتمندترین بازیگران منطقه بودند.

اما جهان امروز بی‌ثبات است و اصرار برای ادامه چنین سیاست‌هایی، نه برای آمریکا و نه برای دیگر

کشورها ایذnal نیست. بنابراین می‌توان گفت انتقادی که از این تفکر مطرح می‌شود، درست بوده است. مخالفان سیاست رئالیسم دفاعی می‌گویند با این سیاست مشکلات از بین نمی‌روند و فقط مدیریت آنها تغییر می‌کند.

در حقیقت رئالیسم دفاعی خواهان مداخله‌های انتخاب‌شده است؛ اما برای این مداخله‌ها تنها راهنمایی‌های محدودی را ارائه می‌کند. پس اگر چنین انتقادی مطرح شود، مشروع است و می‌توان آن را برای تمامی چارچوب‌های استراتژی کلان البته به غیر از انزواگرایی به کار بست. در این راهبرد، برای زمان یا چگونگی مداخله توضیح دقیقی وجود ندارد و حتی طرفداران دواآتشه این نوع از رئالیسم، همواره با این چالش مواجه هستند.

وقتی منافع اصلی تهدید می‌شوند، رئالیسم دفاعی از آمریکا می‌خواهد به‌جای استقرار دائم تعداد زیادی از نیروهای نظامی‌اش در کشور ثالث، از دارایی‌ها فراساحلی، شبکه‌ها و امکانات از پیش مستقرشده خود بهره ببرد و برای حل مشکل اقدام کند؛ اما اجرای چنین دستورالعملی بسیار زمان‌بر و مستلزم آن است که لحظه مناسب شناسایی، نیروهای نظامی بسیج و هم‌زمان اجماع داخلی ایجاد و متحدان بین‌المللی نیز هم‌گام شوند. منتقدان اوباما بر این باورند که او می‌خواست

جهان

در حوالی میدان سرخ

ترامپ گزینه مطلوب روسیه برای ریاستی دوباره



● چهار سال پیش در چنین روزهایی رقابت میان تاجر ۷۰ساله و بانوی دموکرات در کارزار انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده بسیار داغ شده بود و در این میان بسیاری از سیاستمداران جهان، همچون رئیس‌جمهوری فرانسه، وزیر خارجه آلمان و وزیر اقتصاد چین، «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا را فردی غیرمنطقی و واعظ تنفر می‌دانستند و «ترزا می»، نخست‌وزیر بریتانیا نیز بر این عقیده بود که نامزد جمهوری‌خواهان هیچ درک درستی از بریتانیا ندارد. آنها بر این باور بودند که «هیلاری کلینتون»، رقیب دموکرات او، پیروز میدان خواهد بود. باوجوداین و به‌رغم دیدگاه‌های دیگر سیاستمداران که هیلاری کلینتون را پیروز رقابت‌ها می‌دانستند، «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، تنها فردی بود که اعتقاد داشت ترامپ پیشنهاد مطلق رقابت‌های انتخاباتی است و او را آدمی بسیار درخشان و بااستعداد خواند. شاید از همین رو بود که ترامپ در حاشیه کنفرانس خبری در یازدهم مارس ۲۰۱۶، پوتین را رهبری بسیار قوی برای روسیه دانست؛ تا آنجا که او را حتی از «باراک اوباما»، سلف ترامپ نیز قوی‌تر توصیف کرد.

سرانجام ترامپ پیروز انتخابات شد و هنوز چند دقیقه‌ای از صحبت‌های او در جمع هوادارانش نگذشته بود که پوتین ابراز امیدواری کرد در دوران ریاست‌جمهوری او، اقدامات مشترکی برای خروج روابط دو کشور از وضعیت بحرانی صورت پذیرد؛ موضوعی که به نظر می‌رسد تلویحا کنایه‌ای نیز به بارک اوباما و هیلاری کلینتون، وزیر اسبق خارجه آمریکا بود. اگرچه با نگاهی به تاریخ روابط خارجی کرملین و کاخ سفید درخوامیم یافت که همواره وجود دموکرات‌ها بر مسند قدرت، گزینه مطلوب مسکو بوده است، اما باوجوداین، اعتراضات علیه پوتین در دسامبر ۲۰۱۱ سبب شد خیلی زود طرح «ریست» با شکست روبه‌رو شود؛ چراکه روسیه بر این باور بود که حمایت‌های هیلاری کلینتون در پس این اعتراضات وجود دارد؛ موضوعی که بعدها «مایک مک‌فلور»، سفیر وقت ایالات متحده نیز به آن اشاره کرد و گفت: پوتین به‌شدت از کلینتون دلخور بود و این ناراحتی تا زمانی که من در دولت بودم، ادامه داشت. برای مسکو در این شرایط، ترامپ نسبت به کلینتون ارجحیت داشت و البته از یک امتیاز مهم نیز برخوردار بود که می‌توان آن را توصیف «آلکسی پوشکوف»، رئیس کمیسیون امور بین‌الملل دومای دولتی روسیه در گفت‌وگو با روزنامه ایژوستیا در بحبوحه انتخابات آمریکا در سال ۲۰۱۶ جست‌وجو کرد. این نماینده پارلمان معتقد بود با شخصی مثل ترامپ که تاجر و عمل‌گراست، بهتر می‌شود تعامل داشت و کار کرد؛ چراکه یک تاجر همه‌چیز را قابل گفت‌وگو می‌داند. بنابراین روی کارآمدن ترامپ مکمل سیاست خارجی عمل‌گرایانه و واقع‌گرایانه مسکو بود. بدون شک برایند این عوامل سبب شد تا ابتکار عمل‌های کرملین در حوزه بین‌الملل در دوران ترامپ با قوت بیشتری بافعل شود و مسکو نه‌تنها از انزواي ناشی از بحران اوکراین و الحاق کریمه خارج نشود، بلکه به قدرت بالادستی در بسیاری از بحران‌های فرامنطقه‌ای نظیر سوریه، برجام، مذاکرات صلح طالبان و یمن تبدیل شود و دوران طلایی روابط خود با اتحادیه اروپا و به‌ویژه فرانسه، آلمان و ایتالیا را تجربه کند. با وجود این، اگرچه ترامپ پیش از آنکه سکان کاخ سفید را در دست بگیرد، خواستار گذار در روابط مسکو-واشنگتن به سطحی عمیق‌تر از قبل بود و به دنبال هجوم دموکرات‌ها و ادعای دخالت روسیه در انتخابات آمریکا، دست‌به‌صاف پیش آمد؛ موضوعی که البته هیچ‌گاه با قطعیّت ثابت نشد.

بدون شک وجود ترامپ آبی بود بر آتش روابط میان روسیه و آمریکا که میان سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ به اوج خود رسیده بود؛ تا جایی که برخی از تحلیلگران در آن دوران از آغاز جنگ سردی دیگر در روابط دو کشور سخن به میان می‌آوردند.

اکنون کمتر از سه ماه تا انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا باقی مانده است و این‌بار ترامپ در تورنمنت رقابت با «جو بایدن»، نماینده دموکرات‌ها، قرار دارد و این در شرایطی است که وجود اعتراضات در ماه‌های اخیر و برخورد پلیس با معترضان، موقعیت او متزلزل کرده است. ترامپ که در دوران چهارساله ریاست‌جمهوری خویش از پیمان‌های بین‌المللی مهمی خارج شده است، به نظر می‌رسد اکنون دنبال کسب دستاوردی در عرصه سیاست خارجی است تا بتواند سبید رای خود را سنگین کند؛ موضوعی که بدون شک بی‌ارتباط با درخواست او در پانزدهم جولای برای دیدار با پوتین تا قبل از برگزاری انتخابات آمریکا در نوامبر ۲۰۲۰ نیست.

این رویکرد را می‌توان در گفت‌وگوی تلفنی او با پوتین که شامگاه پنجشنبه گذشته انجام شد نیز دریافت؛ صحبت‌هایی که بر فوریت رزانی درباره پیمان کاهش و محدودیت سلاح‌های تهاجمی تاکید داشت. گفت‌وگوی که برنامه هسته‌ای ایران نیز یکی دیگر از محورهای آن بود و به اعتقاد «مخائیل اولیانوف»، سفیر روسیه در سازمان‌های بین‌المللی وین، این گفت‌ووی تلفنی خبری بسیار دلگرم‌کننده بود که هر روز اتفاق نمی‌افتد.